

An Explanation of Usury in Iran's Jurisprudence and Juridical System and the Ways of its Prevention¹

Afsaneh Aminikhah

PhD. student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Yadgar Imam Khomeini Shahr Ray Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. afsanhamini@gmail.com

Tayebeh Arefnia

Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Yadgar Imam Khomeini-Shahr Ray Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. parisa.konar@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to explain the nature of usury in Iran's jurisprudence and juridical system and the ways of its prevention. The method of research is descriptive-analytic and the results indicate that there are several causes involved in the criminology of usury which are effective in its occurrence; such as economic, social, and character causes which are all rooted in poverty and penury. Some other motivations that lead a person to commit this crime include laziness, evasion from work and activity and just seeking a shortcut to reach wealth and property. In order to oppose and prevent the crime of usury, the mass of people, including governmental and nongovernmental, should make an effort. Some ways to prevent the occurrence of usury involve correction and treatment of those who commit this crime, amendment and revision of previous laws, criminalization and even intensification of punishments against those who commit usury.

Keywords: Iran's Law, Islamic Banking, Usury, Islamic Jurisprudence, Prevention.

تبیین ماهیت ربا در فقه و نظام حقوقی ایران و راه‌های پیشگیری از آن^۱

افسانه امینی خواه

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

afsanhamini@gmail.com

طیبه عارف‌نیا

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد یادگار امام خمینی شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

parisa.konar@gmail.com

چکیده

یکی از اعمال ناپسند اجتماعی و اقتصادی که امروزه تمام جوامع گریبان گیر کرده، مسئله ربا و رباخواری است. بحث ربا، موضوعی فقهی، حقوقی، اقتصادی و جرم‌شناختی است، بدین جهت پس از تعریف و واکاوی تاریخ مختصری از ربا، حرمت و فلسفه تحریم آن در کتاب و سنت تبیین شده و با هدف مرور مبانی تحریم و جرم‌انگاری ربا، به بینش فقهی فقهای اسلام در باب تحریم ربا در عصر حاضر پرداخته شده است. با توجه به شرایط اقتصادی کنونی از جمله گسترش مبادلات تجاری بین کشورهای مختلف، رشد مفاهیمی مانند خسارت تأخیر تأدیه، افزایش تورم و قابل محاسبه بودن آن و ایجاد موسسه‌های مالی و اعتباری جدید مثل بانک‌ها و ارائه انواع تسهیلات به مردم، ابعاد و گستره تازه‌ای یافته است. بر این اساس، واکاوی در مبانی حرمت و جرم‌انگاری ربا در پرتو آموزه‌های دینی و بینش فقهی فقها، حقوقدانان و اقتصاددانان معاصر برای جهت صحیح دادن بر متولیان سیاست‌گذاری ایران در حوزه اقتصاد که مبتنی بر منع ربا می‌باشد، کاملاً ضروری است. همچنین به منظور روشن شدن بیشتر موضوع، نمونه‌ای از آراء قطعیت‌یافته محاکم قضائی در خصوص ربا ارائه شده است. در پژوهش حاضر به تبیین ماهیت ربا در فقه و نظام حقوقی ایران و همچنین راه‌های پیشگیری از آن پرداخته شده است. روش این تحقیق، کتابخانه‌ای و ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات، آرای فقهای اسلامی، قانون مجازات اسلامی و همچنین قوانین مرتبط با بانکداری بدون ربا می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حقوق ایران، بانکداری اسلامی، ربا، فقه اسلامی، پیشگیری، حرمت ربا.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۴

۱- مقدمه

در دین مبین اسلام، یکی از گناهان کبیره و بسیار منفور، «ربا» به‌شمار می‌رود؛ که هم در معاملات و هم در قرض، با شرایط خاص تحقق می‌یابد. دامنه «ربای معاملی»، سایر عقود، مثل صلح را نیز در بر گرفته و محدود به معاملات و پرداخت زیادی مشروط، حرام بوده است. لیکن، حیل‌های ربای معاملی، از رواج بیشتری برخوردار است و هنوز در کوچه و بازار، اشخاصی هستند که خواسته یا ناخواسته مرتکب این گناه بزرگ شده و خون طبقه محروم و فقیر جامعه را می‌مکند؛ و خود بدون رنج و زحمتی، اموال فراوانی را انباشت می‌کنند. این در حالی است که فقهای شیعه و سنی، ربا را حرام می‌دانند. با عنایت به اینکه، قانونگذار به بازنگری و اصلاح بسیاری از مواد قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ اقدام نموده است؛ لیکن از ماده ۴۹۴ به بعد، یعنی قانون تعزیرات را مورد بازبینی و اصلاح قرار نداده است. بنابراین، طبیعی است که ربا هم بازنگری نشود و ماده ۵۹۵ قانون تعزیرات، مصوب ۱۳۷۵ نیز تغییری ننماید؛ با توجه به افزایش ارتکاب این جرم و آثار سوء آن، می‌بایست به دنبال راهکاری مناسب، تدوین و جرم‌انگاری بیشتر ربا و پیشگیری از جرم ربا بود که به نظر می‌رسد این مسئله، مهم‌ترین چالش فراروی نظام حقوقی ایران در مقابله با گسترش جرم ربا باشد. در نتیجه، مقنن می‌بایست، رویکرد متفاوتی را در بحث ضمانت اجرا اعمال نماید؛ به دلیل اینکه جرم ربا، از جمله جرایمی است که نه تنها به شهروندان و بنیان دینی جامعه آسیب وارد می‌کند، بلکه اقتصاد جامعه را نیز به تباهی می‌کشانند. بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که ربا حسب قوانین کیفری ایران، علاوه بر ممنوعیت شرعی، دارای وصف جزائی نیز است.

۲- ادله حرمت ربا در اسلام

تحریم ربا از مسائل مهم اسلامی است و بازتاب گسترده‌ای در روایات دارد. بسیاری از فقهای بزرگ، هنگامی که وارد این مبحث شده‌اند، تنها به دلایل سه‌گانه (قرآن، حدیث و اجماع) بسنده کرده‌اند، در حالی که تحریم ربا را بی‌شک، با دلیل عقل نیز می‌توان اثبات کرد. بنابراین، ادله اربعه (قرآن، سنت، اجماع و دلیل عقل)، بر تحریم رباخواری و اهمیت این گناه بزرگ گواهی می‌دهند. حال حرمت ربا در اسلام را، به دلایل و منظرهای مختلف، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

دلیل اول: حرمت ربا از دیدگاه قرآن

قرآن کریم در آیات متعددی به سرزنش رباخواری پرداخته است. «خداوند متعال در این آیات، نسبت به ربا سخت‌گیری‌هایی نموده، که مانند آن‌ها را در هیچ‌یک از فروع دین، جز درباره دوستی با دشمنان دین، نکرده است و تعبیراتی که در مورد سایر کبائر، مانند زنا، شرک، قمار و حتی قتل نفس شده، اگرچه خیلی شدیدالحن است، ولی به پایه تشدیدهایی که در مورد این دو امر شده، نمی‌رسد...» (طباطبایی، ۱۳۸۲، ص ۵۷۰ - ۵۷۱) در ادامه به برخی از مواردی که بیانگر شدت زشتی رباخواری از دیدگاه قرآن کریم است، اشاره می‌کنیم:

الف) در آیه ۲۷۵ سوره بقره می‌خوانیم: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره، ۲۷۵)، این آیه نخست به تشریح حال رباخواران در قیامت می‌پردازد که همچون دیوانگان یا افراد مصروع که نمی‌توانند تعادل خود را حفظ کنند، به عرصه محشر وارد می‌شوند، گامی به جلو برمی‌دارند، زمین می‌خورند، برمی‌خیزند و باز هم گرفتار همان سرنوشت می‌شوند (بقره، ۲۷۵). آری، صحنه قیامت، کانونی برای تجسم اعمال انسان‌هاست؛ آنان که تعادل اقتصادی جامعه را در زندگی دنیا از طریق رباخواری برهم زدند، در آنجا به صورت مست، مصروع، افراد دیوانه و غیرمتعادل محشر می‌شوند و وضع ظاهری

آنان، همه افراد محشر را متوجه خود می‌سازد. این مجازات دردناک، یک دلیل بر حرمت ریاست (مکارم شیرازی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۴۲).

سپس می‌افزاید این مجازات رسواگر، به دلیل این است که آن‌ها می‌گفتند: «دادوستد» و «ربا» همانند یکدیگر است؛ یعنی هر دو سودآور و طبق قرارداد انجام می‌شود «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا». در حالی که خودشان هم می‌دانند چنین نیست، دادوستدهای مشروع، در مسیر منافع جامعه انسانی است و اگر سودی عاید فروشنده یا خریدار می‌شود، سودی هم عاید جامعه می‌گردد و نیازها برطرف می‌شود، در حالی که رباخواران همچون زالو، خون مردم را می‌مکند و بی‌آنکه خدمتی کنند، ثروت‌های عظیمی به‌دست می‌آورند، به همین دلیل، خداوند متعال، بیع را حلال و ربا را حرام کرده است «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا».

بعضی در تفسیر جمله بالا، این احتمال را نیز داده‌اند که این سخن رباخواران باشد که به‌عنوان اعتراض می‌گویند: «چرا خداوند دادوستد را حلال کرده و ربا را تحریم نموده، در حالی که هر دو از یک مقوله‌اند»، ولی این تفسیر، بعید به نظر می‌رسد و با سیاق آیه سازگار نیست. به هر حال، این تعبیر، دلیل دیگری بر تحریم ریاست. هرکس این موعظه الهی را بشنود و به کار بندد و از رباخواری بازایستد، بر گذشته او ایرادی نخواهد بود و در عین حال، کار او به خدا واگذار می‌شود، که او را مشمول عفو و بخشش خود گرداند، «فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ». این تعبیر، دلیل سومی بر تحریم ریاست. در پایان آیه می‌فرماید: «ولی هر کس پس از این ابلاغ صریح و آشکار به رباخواری ادامه دهد، اهل دوزخ است و جاودانه در آن می‌ماند»، «وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». این تعبیر، دلیل چهارم و مؤکدی بر حرمت ریاست. به این ترتیب، آیه فوق با تعبیرات حساب شده، تحریم ربا را به چهار طریق بیان نموده و جایی برای کم‌ترین تردیدی باقی نمی‌گذارد.

ب) در سوره بقره، آیه ۲۷۶، به دنبال آیه ذکر شده، می‌خوانیم: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ». این آیه شریفه نخست می‌گوید: «خداوند ربا را نابود می‌کند و کمک به نیازمندان و انفاق در راه خدا را افزایش می‌دهد».

«ی‌محق» از ماده «محق» به معنای «نقصان» یا «هلاکت» است و آخر ماه را از این جهت «محاق» می‌گویند، که هلال ماه به قدری کوچک می‌شود که ناپدید می‌گردد. هر دو معنی می‌تواند صحیح باشد، زیرا تجربه نشان داده است که اموال حاصل از ربا، دوام، بقاء و برکتی ندارد و رباخواران گرفتار سرنوشت‌های شومی می‌شوند و با وضع بدی از دنیا می‌روند. در آخرت نیز روشن است، به فرض که، آن اموال را در راه خدا انفاق کرده باشند، چیزی عایدشان نمی‌شود. چرا که خداوند جز اموال پاک و حلال را نمی‌پذیرد و اصل قرآنی «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» همه جا حاکم است. رباخواری، فقر و بدبختی می‌آفریند و جامعه را به تباهی می‌کشد. تباهی جامعه، مایه درد و رنج همه است و رباخواران نیز خود، در آتش فقری که به پیکره جامعه لنداخته‌لند، خواهند سوخت. در یک جامعه بدبخت، کسی نمی‌تولند خوشبخت زندگی کند. در قرآن، هم نسبت کفر به رباخواران داده شده و هم نسبت گناه (اثم)، که تأکیدی بر معنی کفر است.

ج) در آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره مبارکه بقره، مسئله تحریم ربا به وضوح بیشتری مشاهده می‌شود. نخست، روی سخنش با همه افراد با ایمان و خداجو کرده و با صراحت و قاطعیت می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ تقوای الهی پیشه کنید و آنچه از مطالبات ربا باقی‌مانده را رها کنید، اگر ایمان دارد»، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۲۷۸) «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ». جالب اینکه، هم در آغاز آیه خطاب به مؤمنان است و هم در پایان آن، ترک رباخواری را نشانه ایمان برشمرده و عبارت «ذرو» -رها کنید- امر است و امر دلالت بر وجود دارد؛ به‌خصوص اینکه، با عبارت «إِنْ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» همراه شده است.

آیه هنگامی نازل شد که آلودگی به رباخواری به طور گسترده، مردم مکه و مدینه را فراگرفته بود و قرآن دستور داد وام‌های ربوی در هر مرحله‌ای هست متوقف گردد. پس با لحنی فوق‌العاده تهدیدآمیز می‌افزاید: «اگر فرمان الهی را دایر بر ترک رباخواری اطاعت نکنید، خدا و پیامبرش به شما اعلان جنگ می‌دهد»، «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (صابونی، ج ۱، بی تا، ص ۱۷۵).

مفهوم این جمله از دیدگاه بسیاری این است که شما اعلان جنگ با خدا کنید، در حالی که عبارت «فَأْذَنُوا»، با توجه به معنی لغوی آن، معنایش این است که خدا و پیامبر به شما اعلان جنگ می‌دهند. به عبارت بهتر، معنی و مفهومش این است که پیغمبر اکرم (ص) از آن زمان مأمور شدند که اگر رباخواران دست از کار زشت خود نکشند، با توسل به اسلحه و نیروی نظامی، آن‌ها را بر سر جای خود بنشانند. به هر حال، چنین تعبیر تندی، در هیچ آیه از قرآن درباره هیچ گناهی از گناهان وارد نشده و نشان می‌دهد که رباخواری از دیدگاه اسلام تا این حد خطرناک و پرمفسده است. در پایان آیه برای این که حق و عدالت رعایت گردد، می‌افزاید: «هرگاه توبه کنید؛ می‌توانید سرمایه‌های خود را از بدهکاران (بدون سود) باز پس بگیرید و به این ترتیب، نه ظلم و ستم کنید و نه بر شما ظلم و ستمی می‌شود، «وَإِنْ تَتُوبُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ».

در شأن نزول آیات بالا چنین آمده است که: «شخصی به نام خالد بن ولید، خدمت پیامبر (ص) رسید و گفت: پدرم با طایفه ثقیف، معاملات ربوی داشت و مطالباتش را وصول نکرده بود و از دنیا رفت، او وصیت کرده مبلغی از سود اموالش را که هنوز پرداخت نشده است؛ تحویل بگیرم، آیا این عمل جایز است؟ آیات بالا نازل شد و مردم را از گرفتن باقیمانده ربا که در دست بدهکاران است، نهی کرد». طبق روایت دیگری بعد از نزول آیه، پیغمبر اکرم (ص) این جمله تاریخی را فرمود: «أَلَا إِنَّ كُلَّ رَبٍّ مِنْ رَبِّ الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعٌ وَأَوَّلُ رَبٍّ أُضْعَهُ رَبُّ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ». «آگاه باشید، تمام رباهایی که از زمان جاهلیت باقی مانده است، همه از شما برداشته شد و نخستین ربایی را که برمی‌دارم و ابطال می‌کنم، ربای عمویم عباس است». (معلوم می‌شود عباس در عصر جاهلیت از رباخواران بوده است).

د) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید! از خدا بپرهیزید تا رستگار شوید! و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است!» (عمران، آیه ۱۳۰). این دو آیه، برخلاف آیات قبل، به قسم خاصی از ربا نظر دارد و آن ربای مضاعف است. یعنی آیه شریفه، حرمت ربای مضاعف را اثبات می‌کند، نه اینکه ربای معمولی را مجاز بشمرد؛ بلکه نسبت به ربای عادی ساکت است. در مورد تفسیر ربای «اضعاف مضاعف» در بین مفسران گفتگو است و نتیجه این که، آیه شریفه، دلالت بر حرمت نوع خاصی از ربا دارد و نسبت به غیر آن ساکت است. آیه شریفه، مطلق ربا را شامل می‌شود و در هر حال دلالت بر تحریم ربا دارد، چون نهی، ظاهر در تحریم است، مخصوصاً که در ذیل آیه شریفه، اطلاق کفر بر رباخواران شده است.

هـ) در سوره نساء، در آیات ۱۶۰ و ۱۶۱ می‌فرماید: «فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيراً وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً». به خاطر ظلمی که از یهود صادر شد، (و نیز) به خاطر جلوگیری بسیار آن‌ها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آن‌ها حلال بود، حرام کردیم و (همچنین) به خاطر ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند و خوردن اموال مردم به باطل و برای کافران آن‌ها عذاب دردناکی مهیا کرده‌ایم.

ن) همچنین در سوره روم، آیه ۳۹ چنین آمده است: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبِّ لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوَ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ». آنچه که ربا می‌دهید تا مال شما در مال مردم بالا بیاید، بدانید که نزد خدا این مال، از دیاد پیدا نمی‌کند.

دلیل دوم: حرمت ربا از دیدگاه ائمه اطهار (ع) و روایات

از جابر ابن عبدالله انصاری رحمت‌الله‌علیه - صحابی معروف پیامبر (ص) - نقل شده است که پیامبر (ص) فرمود: «لَعْنُ اللَّهِ الرَّبَا وَ أَكَلَهُ وَ كَاتَبَهُ وَ شَاهَدَهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ»، یعنی خداوند ربا و رباخوار را، با نویسنده و شاهد معامله ربا، لعن کرده و فرموده است که ارتکاب معصیت هر سه با هم برابر است (پاینده، ۱۳۶۰، ص ۲۴).

معراج پیامبر، یکی از مسلمات اسلام است. سیره‌نویسان به تفصیل به اموری پرداخته‌اند که حضرت در این سفر معنوی مشاهده کردند. در ادامه به برخی از مطالب که بیانگر نکوهش شدید رباخواری است، اشاره می‌شود. ابن‌هشام به نقل از ابن‌اسحاق، قضایای معراج پیامبر (ص) را به صورت مبسوط شرح می‌دهد؛ تا آنجا که می‌نویسد که رسول خدا (ص) فرمودند: «... سپس مردانی را دیدم که هرگز شکم‌هایی مثل شکم آنان ندیده بودم. در راه لشکر فرعون قرار داشتند و سربازان آن‌ها را زیر پاهایشان له می‌کردند، ولی آن افراد نمی‌توانستند از جایشان حرکت کنند. پرسیدم: ای جبرئیل اینان چه کسانی هستند؟ پاسخ گفت: اینان رباخوارانند» (ابن‌سیار مطلبی، ۱۹۶۳، ج ۲، ص ۲۷۴-۲۷۵).

در نقل دیگری از معراج پیامبر (ص) آمده است، که ایشان، در آن سفر معنوی، فردی را دیدند که در رودی پُر از خون شنا می‌کند و سنگ می‌خورد. به جبرئیل فرمودند: این کیست؟ پاسخ داد: رباخوار. در جای دیگر می‌نگارد: «به ناگاه به مردانی رسیدند که شکم‌هایشان همانند خانه‌هایی بود که در آن شکم‌ها، مارهایی بود که از بیرون دیده می‌شد ... جبرئیل گفت: اینان افرادی از امت تو هستند [تو هستند] که ربا می‌خورند ...» (صالحی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۸۲-۸۷).

پیامبر (ص) در پاسخ معاذ به جبرئیل فرمودند: «ده گروه از امتم روز قیامت با صورتی جدای از دیگران محشور می‌شوند. به شکل بوزینه و بعضی به شکل خوک و... و شماری دیگر پاهایشان در بالای صورتشان و سرهایشان رو به پایین است و کشان کشان آنان را می‌برند، ... آنان [دسته اخیر] رباخوارند». به امیرالمؤمنین علی (ع) گزارش دادند که فلان شخص رباخوار است. ایشان، سرمایه او را به دو قسمت کرد. یک قسمت آن را به بیت‌المال داد و قسمت دیگر را در آتش سوزاند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۳۳۲). امام باقر (ع) فرمود: «أُخْبِتُ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرَّبَا»، «پلیدترین و ناپاک‌ترین کسب‌ها، کسب ربوی است» (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۵۲۰). یکی از اصحاب امام صادق (ع) به نام هشام، علت حرام شدن ربا را سؤال کرد. حضرت فرمود: «إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرَّبَا حَلَالًا لَتَرَكَ النَّاسُ التِّجَارَاتِ وَمَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَا لِيُفَرِّقَ النَّاسَ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ وَالْأَلْيِ التِّجَارَاتِ وَإِلَى الْبَيْعِ وَالشِّرَاءِ. اِذَا رِبَا حَلَالٌ بَدَأَ مَرْدَمَ كَارٍ وَ تَلَّاشَ رَاهَا مِي كَرْدَنَد (و سود پول می‌گرفتند). خداوند، ربا را حرام کرد تا اینکه مردم سراغ کار، تلاش و معاملات سالم بروند و از حرام به حلال روی آورند». امام رضا (ع) در بیان علت حرام شدن ربا فرمود: «لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفَسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ فَنَاءِ الْأَمْوَالِ، چون ربا سبب فساد و ظلم می‌شود». ایشان در روایت دیگری فرمودند: «فَحَظَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى الْعِبَادِ الرَّبَا بَعْلَةً فَسَادِ الْأَمْوَالِ كَمَا، خداوند ربا را بر بندگان حرام کرد زیرا باعث فساد در اموال می‌شود» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۶۵-۵۶۷). نیز می‌فرمایند: «الرِّبَا سَبْعُونَ جُزْءًا أَيْسَرُهُ مِثْلُ أَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ أُمَّهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ، ربا هفتاد جزء دارد که کم‌ترین آن (مانند) این است که انسان با مادرش در خانه خدا نزدیکی کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۱۱۷).

از امام کاظم (ع)، به نقل از پدران (ع) و پیامبر (ص) نقل می‌کند: «إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَاسِبُ الْحَرَامُ وَالشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ وَالرِّبَا؛ از چیزهایی که من، نگران آلودگی امت خود، بعد از مرگم به آن هستم، رواج رباخواری در میان آن‌ها است» (حکیمی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۰۳). خلاصه در حرمت ربا، روایات متعددی در کتب شیعه و سنی آمده است. در «وسائل الشیعه»، بیش از سیصد روایت در این باره گفته شده است که همگی مؤید حرمت رباست و آن را از اکبرالکبایر شمرده و در ردیف شرک به پروردگار قرار داده‌اند. برخی دیگر از این روایات، در مواقع خود، مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در اینجا به عنوان تأیید حرمت ربا در سنت، فقط به چند روایت بسنده شده است.

دلیل سوم: ربا از دیدگاه اجماع

اجماع، از جمله منابع احکام، است. اغلب فقها اجماع را از ادله حرمت ربا بر شمرده‌اند. شیخ محمد طوسی می‌گوید که «علما اجماع دارند بر اینکه ربا از گناهان کبیره است» (موسایی، ۱۳۷۶، ص ۱۹). شهید ثانی در کتاب «دروس»، علاوه بر نص، دلیل حرمت ربا را اجماع می‌داند. در «تحریر الوسیله» امام خمینی آمده است: «حرمت ربا به کتاب و سنت و اجماع مسلمین ثابت شده است، بلکه بعید نیست از ضروریات دین باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۳۶). صاحب جواهر الکلام و محقق اردبیلی، اجماع را از دلایل حرمت ربا در اسلام می‌دانند. در «تفسیر القرطبی» آمده است که حرمت ربا اجماعی است: «هَذَا أَكْلُهُ الْأَكْبَادُ اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ» (انصاری قرطبی، ۱۹۷۶، ص ۳۴۹).

۳- قصور دلایل تحریم ربا

در توجیه قصور ادله تحریم از دلالت بر قسم ربای تولیدی به وجوهی می‌توان استناد نمود که عمده آن دو وجه است: اجمال ادله و تقید ادله.

وجه اول: اجمال ادله

در توضیح چگونگی اجمال دلایلی که برای حرمت ربا هستند، می‌گوئیم؛ کلمه «ربا» در لغت به معنی «زیادی» است و به این معنی نیز به کار رفته است و هر نوع زیادی را شامل می‌شود. مانند زیادی در خوردن، راه رفتن، علم، دانش و... بدیهی است که شارع مقدس با کلمه «حرّم الربا»، درصدد تحریم همه انواع زیادی‌ها نبوده است، بلکه به معنی تحریم یک نوع زیادی خاص است. حال، کدام نوع از زیادی، مراد آیه شریفه و روایات است؟ بر ما روشن نیست؛ چرا که در آیات و روایات زیادی که قطعاً حلال است نیز، به کار رفته که اطمینان ما را در تحریم مطلق ربای قرضی، که فقها و صاحب‌نظران ادعا نموده‌اند، خدشه‌دار کرده است. مانند آیه شریفه: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبًا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوَ عِنْدَ اللَّهِ وَوَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْغَعُونَ...» (روم، ۳۹)، آنچه که از ربا می‌دهید تا از اموال مردم زیادهای ببرید، نزد خداوند افزون نمی‌یابد». در این آیه، ربا به معنی حلال و افزایش به کار رفته است و در روایات نیز، مانند روایت ابراهیم بن عمر در تبیین، مراد از آیه شریفه، به نوع حلال از رباخواری اشاره شده است. امام صادق (ع) فرمود: «ربا دو نوع است: ربایی که خورده می‌شود و اما آنکه خورده می‌شود (حلال)، هدیه‌ای است که به دیگری می‌دهی به امید آنکه هدیه‌ای بهتر از آنچه داده‌ای پس بگیری» و کلام خداوند نیز که می‌فرماید: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبًا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوَ عِنْدَ اللَّهِ»، ربایی که خورده نمی‌شود؛ به آن اشاره دارد و اما قسمتی که خورده نمی‌شود (حرام)، آن است که خداوند از آن نهی نموده و بر آن وعده آتش داده است» (حرّعاملی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۸، ص ۱۲۵-۱۲۶).

استعمال کلمه «ربا» در قسم حلال و منطبق با افزایش، در لسان آیات و روایات از یکسو و عدم تفسیر و تبیین نوع حرام آن، از سوی دیگر، باعث شده که عده‌ای از حیث بیان مصادیق و تعیین مراد، نتوانند به اطلاق دلایل موجود، استناد نمایند و با اجمال دلیل روبه‌رو شوند و ناگزیر، قدر متیقن از ربای قرضی را که ربای استهلاکی است، مورد نظر دلایل تحریم قرار دهند. مواردی که در کلمات و عبارات فقهای عظیم‌الشان نیز مذکور است، چیزی بیش از شرح و تفسیر آنچه که خود از دلایل قرآنی و روایی برداشت نموده‌اند، نیست. بلکه در حقیقت نوعی اجتهاد و درایت است و نمی‌تواند حجت، در تعیین مراد آیات و روایات قرار گیرد. وجود برخی شواهد نیز در عدم امکان تمسک به اطلاق، دلایل موجود را در نظر آن بیشتر می‌نماید و آن اینکه، دلایلی که در توییح و بیان حرمت ربا وارد شده و «خوردن» یک درهم آن را شدیدتر از هفتاد بار زنا با محارم دانسته و یا آن را اعلان جنگ با خدا و رسولش (ص) معرفی نموده است، ربا را به گونه‌ای تحریم کرده که نمی‌توان موردی را از آن استثناء کرد و تخصیص زد و به اصطلاح «لسان ادله عاری (آبی) از تخصیص و تقید است». اما قطع و یقین وجود دارد که مواردی نظیر ربای بین پدر و فرزند، یا ربای در معبود، دلایل تحریم را تخصیص زده یا آن را مقید نموده است. در نتیجه نمی‌توانیم أخذ به اطلاق و عموم دلایل،

تحریم نماییم و جهت رهایی از این مجذور، چاره‌ای نیست، جز آنکه دلایل تحریم را مطلق ندانیم و آن را ناظر بر نوعی خاص از ربا بدانیم. حال کدام نوع؟ پرسشی است که در نگاه نخست به دلایل تحریم، جواب روشنی برای آن نمی‌توان یافت. از این رو، با اجمال در دلایل تحریم، روبرو می‌شوید، که بایستی قدر متیقن را ملاک قرار داده و در نهایت به تحریم ربای استهلاکی رضایت دهند (صانعی، ۱۳۸۸، ص ۳۸-۴۰).

وجه دوم: تقیید دلایل

اگر اجمال ادله گذشته شود، قرائن و شواهدی که در دلایل موجود است، ما را به سوی نوع خاصی از ربا، که در عصر نزول آیات تحریم متداول بوده است، یعنی «ربای استهلاکی» هدایت می‌نماید، که در ادامه به برخی از این شواهد و قرائن اشاره خواهیم نمود و پیش از آن، لازم به ذکر است، که در برخی از شواهد و قرائن، باعث صرف ظهور دلیل در دلالت نخواهد شد و مرجع قضاوت در این خصوص، عرف است.

شاهد اول: مذکور در آیات تحریم

از جمله قرائن و شواهدی که در تعیین مراد و منظور از دلایل تحریم کمک می‌نماید، ظهور آیه را در نوع استهلاکی ربا تقویت می‌نماید: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره، ۲۷۹).

شاهد دوم: ارجاع به ارتکازات عرف

از جمله قرائن و شواهد که باعث انصراف ادله تحریم از ربای تولیدی و تقیید آن به ربای استهلاکی است، مجموعه علت‌ها و حکمت‌هایی است که در اخبار وارد شده است؛ که در حقیقت، ارجاع به همان ارتکازات عقلایی است که با ربای استهلاکی سازگار است و منحصرأ همین نوع را به ذهن متبادر می‌سازد.

۴- معامله ربوی در حالت اضطرار و جهل

در تبصره ۲ ماده ۵۹۵ ق.م.ا. (تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) در مورد حالت اضطرار ربا دهنده، بحث نموده است. حال، با عنایت به اینکه حرمت تکلیفی و وضعی ربا، روشن است، بحث در این است که آیا با عروض برخی عناوین ثانوی از قبیل اضطرار و جهل، این حکم تغییر می‌کند؟ صاحب جواهر از دروس شهید اول نقل کرده است: «اگر پرداخت‌کننده ربا مضطر باشد و چاره‌ای هم نداشته باشد، اقرب این است که حکم تحریم در حق او برداشته می‌شود». پس از نقل سخن شهید اول، گفته است: «این سخن درباره برخی مصادیق اضطرار، سخن خوبی است» (خرازی، ۱۳۸۹).

۵- علل موجهه جرم ربا در حقوق کیفری در ایران

با عنایت به مفاد تبصره‌های ۲ و ۳ ماده ۵۹۵ ق.م.ا. که بیانگر اعمال علل موجهه جرم در بزه ربا است، می‌توان این علل را عبارت از: ۱- اجازه حکم قانون و ۲- اضطرار دانست.

الف- اجازه یا حکم قانون

به موجب تبصره ۳ ماده مورد بحث، ربا اعم از قرضی یا معامله، چنانچه بین پدر و فرزند یا زن و شوهر یا کافر و مسلمان منعقد شده باشد؛ از شمول مقررات این ماده خارج است. بدین واسطه با عنایت به عدم شمول سایر قوانین جزایی بر ارتکاب چنین عملی، باید عنوان داشت که مقنن با تبصره مذکور، اجازه انجام معاملات ربوی را به اشخاص مذکور در تبصره ۳ این ماده داده است و به حکم قانون، یکی از علل موجهه جرم محسوب می‌گردد. عمل ارتکابی، فاقد وصف مجرمانه تلقی می‌گردد. این چنین امری را باید مقتبس از فقه امامیه دانست؛ چرا که از نظر فقهی، موارد صحت معاملات ربوی توسط فقها بیان گردیده است و عبارتند از: ربای میان پدر و فرزند، زن و شوهر، کافر و مسلمان؛ به شرط آنکه مسلمان از غیر مسلمان ربا دریافت کند. لذا، نه تنها انجام معاملات ربوی فوق مجرمانه محسوب نمی‌گردد؛ بلکه از نظر حقوقی نیز این معاملات صحیح بوده و باطل و بلااثر محسوب نمی‌گردد. در این زمینه شورای

نگهبان در نظریه شماره ۹۳۴۸ مورخه ۱۳۶۶/۱۰/۲۴ خود، اشعار داشته است: «دریافت بهره و خسارت تأخیر تأدیه از دولت‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و اشخاص خارجی که برحسب مبانی عقیدتی خود، دریافت آن را ممنوع نمی‌دانند؛ شرعاً مجاز است. لذا، مطالبه و وصول این‌گونه وجوه، مغایر با قانون اساسی نیست و اصل چهل و سوم و چهل و نهم قانون اساسی شامل این مورد نمی‌باشد». قبل از تصویب ق.آ.د.م. ۱۳۷۹، شورای نگهبان در خصوص مواد (۷۱۲ و ۷۱۹) ق.آ.د.م. ۱۳۱۸، طی نظریه ۹۳۳۹ مورخ ۱۳۶۲/۸/۲۵ اظهار نظر نموده بود: «... دریافت خسارت تأخیر تأدیه موضوع مواد (۷۱۲ و ۷۱۹) قانون آیین دادرسی به نظر اکثریت فقها مغایر با موازین شرعی شناخته شد».

در خصوص أخذ یا پرداخت ربا بین زن و شوهر نیز باید به این نکته توجه داشت که اطلاق تبصره ۳ ماده ۵۹۵ ق.م.ا. عملیات ربوی میان زن و شوهری که در قید نکاح منقطع یکدیگر باشند را نیز دربر می‌گیرد. با این حال، چنین به نظر می‌رسد که با توجه به مبنای جرم نبودن معاملات ربوی میان زن و شوهر که توارث آن‌ها از یکدیگر است، نتوان نکاح منقطع را مشمول مقررات این تبصره دانست. لیکن با توجه به اطلاق تبصره مرقوم و لزوم تفسیر به نفع متهم نمی‌توان این تفسیر را صحیح دانست. همچنین عملیات یا معاملات ربوی در دوران عده طلاق رجعی با توجه به عدم انقطاع کامل رابطه زوجیت، فاقد وصف جزایی به نظر می‌رسد.

ب- اضطرار

اگرچه مقنن در تبصره ۲ ماده مرقوم، تنها ربا دهنده را در مقام اضطرار معاف از تعقیب و مجازات شناخته است، لیکن باید توجه داشت، که چنانچه شرایط متشکله اضطرار در ربا گیرنده نیز جمع باشد، می‌توان با توجه به مقررات ماده ۵۵ ق.م.ا. عمل رباگیرنده را نیز فاقد وصف جزایی دانست. شرایط تحقق اضطرار در جرم ربا در صورتی محقق خواهد شد که اولاً، خطر شدیدی موجود باشد، یعنی جان و سلامتی ربا دهنده یا یکی از افراد تحت تکلفش یا اموال و دارایی‌شان در معرض خطر و نابودی و قرار گرفته باشد. ثانیاً، ربا دهنده عمداً مبادرت به ایجاد چنین وضعیتی نکرده باشد. ثالثاً، توسل به عملیات ربوی تنها راه حل ممکن باشد. رابعاً، ربا دهنده، به مقدار ضرورت اکتفاء کند، یعنی به میزانی که بتواند از مهلکه و وضعیت غیرقابل تحمل نجات یابد.

۶- بررسی اشکالات و ایرادهای وارده بر ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)

از آنجایی که، ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)، برای نخستین‌بار و به صراحت به جرم‌انگاری «ربا» پرداخته است، طبیعی است که نیاز به بازنگری و اصلاح برخی از قسمت‌های آن، پس از حدود دو دهه ضروری به نظر برسد. لذا، چند نمونه از ایرادهای وارد بر ماده مزبور به طور مختصر به شرح ذیل بیان می‌گردد:

الف- وضع قانون در این خصوص ضروری بوده است، به این مفهوم که، با گسترش رکود و تورم اقتصادی و افزایش این جرم در سطح اجتماع و تبعات آن، قانونگذار بالاخره بر آن شد، تا در سال ۱۳۷۵، ماده ۵۹۵ قانون تعزیرات را به‌عنوان اینکه ربا را عملی مجرمانه و در خور مجازات بداند؛ تعیین کند. در نتیجه، ماده مزبور، ربا را جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین نموده است. با توجه به اینکه می‌توان ربا را به عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های تحصیل مال از طریق نامشروع توصیف کرد و مستند قانونی جرم ربا در مجموعه قوانین ما، اصل ۴۹ قانون اساسی است و علاوه بر این، در ماده ۵۹۵ ق.م.ا. و تبصره‌هایش تلقی شده، ولی متأسفانه در قانون مجازات اسلامی، ربا تعریف نشده است و این عدم تعریف، باعث می‌شود که دادگاه‌ها برای تشخیص مصادیق ربا به دیدگاه‌های فقها مراجعه کنند. هرچند مقنن در ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، تعریفی از ربا به عمل نیاورده و تنها به ذکر مصادیق آن اکتفاء نموده است، اما در بند ۱ ماده ۱ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ ق.ا. (مصوب ۱۳۶۳/۵/۱۷) تعریفی از جرم ربا و انواع آن ارائه گردیده است؛ که ربا را به دو نوع: ربای قرضی و ربای معاملی تقسیم نموده است که پیرامون آن بحث شد. با توجه به تعریف این دو نوع ربا، به نظر می‌رسد که ربای موضوع ماده ۵۹۵ ق.م.ا. نیز اعم از ربای قرضی یا معاملی است، چرا که در صدر ماده مذکور، هم به ربای جنسی در معاملات و هم به ربای قرضی، از طریق مبلغی مازاد بر مبلغ پرداختی،

اشاره شده است. ربا، اصطلاحی در دین اسلام است که به معنی گرفتن یک مال در عوض مالی از همان جنس است، به طوری که میزان یکی زیادتز از دیگری باشد.

ب- براساس صدر این ماده، در خصوص ذکر مصادیق، متأسفانه قانونگذار عبارت «امثالهم» را به تفصیل و به طور کامل توضیح نداده که این ابهام، خود باعث ایجاد شبهات فراوان و بحث‌های بسیار خواهد بود، زیرا دقیقاً معلوم نیست که به جز بیع، قرض و صلح، در چه عقود دیگری هم ربا تحقق می‌یابد. به طور مثال، این سؤال پیش می‌آید که آیا جرم ربا در عقد اجاره پیش می‌آید یا خیر؟ عده‌ای عقیده دارند که اگر مؤجر شرط نموده باشد اگر تأخیر در پرداخت اجاره‌بها پیش آید، مبلغی اضافه دریافت نماید، این را از اسباب خسارت تلقی و اگر بر طبق شاخص بانک مرکزی باشد، ربا ندانسته‌اند.

ج- با عنایت به شرح متن ماده و اینکه عدم تعیین انواع ربا، موجب ابهام هرچه بیشتر قضات و دادگاه‌ها در تشخیص مصادیق این جرم شده است، مراجعه به عرف، نظر فقها و حقوق‌دانان را برای تشخیص آن ضروری دانسته و اضافه می‌کند. به طور کلی، برای ربا می‌توان مواردی را نیز بیان داشت که در نظر عده کثیری از متخصصان فقه و حقوق‌دانان، به عنوان مصادیق ربا شناخته و حرام تلقی می‌شود.

د- با توجه به اینکه، این جرم تنها زمانی محقق می‌گردد که اموال مورد ربا از نوع موزون، مکیل یا نقدین (طلا و نقره) باشند، امروزه، وقوع ربا در مورد آن اموالی که موزون، مکیل یا نقدین است، تا حد زیادی کاهش یافته است. در مقابل، در بسیاری از اوقات، ربا در حوزه اعتبارات، به ویژه پول واقع می‌شود. در خصوص ربای در پول نیز، در میان فقها، دو عقیده متفاوت وجود دارد: برخی از فقها معتقدند که ربای در پول اشکال نداشته و حرام نیست، زیرا که پول از اموال موزون یا مکیل نبوده و از نظر نقدین نیز نمی‌باشد. اما بعضی دیگر از فقها این‌طور اعتقاد دارند که ربای در پول اشکال داشته و حرام است، چرا که پول به جای نقدین و در صدی از آن است. به عبارت دیگر، هر مقداری از پول به اندازه میزانی طلا است. به این ترتیب، این دو، یعنی پول و طلا به راحتی قابل تبدیل به یکدیگر خواهند بود. پس برای همین است که در مورد پول جرم ربا اتفاق می‌افتد.

و- حال مسئله این است که آیا در صورتی که رباگیرنده (رباخوار)، چک دریافت کند و در موعد مقرر، چک به علت عدم موجودی منتهی به گواهی عدم پرداخت گردد، آیا با عملیات انجام شده، جرم ربا محقق شده است یا خیر؟ در پاسخ باید به ماده ۵۹۵ ق.م.ا. اشاره نمود. در این ماده و مواد مرتبط با آن، هرچند به صراحت به این موضوع اشاره نشده، ولی در ماده، تصریح به دریافت ربا نموده است. بنابراین، چنانچه ربا دهنده، چک را بابت ربا به رباگیرنده (رباخوار) داده و چک مزبور وصول نشود، جرم ماده فوق، به نظر می‌رسد، تحقق نیافته است. برابر فقه و قانون، تا زمانی که وجه اضافی دریافت نشده، ربا محقق نخواهد شد. بنابراین، صرف توافق به اینکه شخصی وجهی را در قبال وجه اضافی به کسی بدهد، این عمل جرم نبوده و ربا نیست و ملاک، أخذ وجه اضافه است. در صورتی که ثابت شود دارنده چک، آن را به‌عنوان ربا دریافت کرده، حق مطالبه وجه آن چک را نداشته و باید به صادرکننده مسترد نماید.

ه- متأسفانه در ماده فوق‌الاشاره، رباخواری با توصل به عقد صوری تعریف نشده است، بلکه مقنن در ماده ۵۹۵ قانون مذکور، هر نوع توافق دو نفر یا بیشتر را برای تنظیم قراردادهایی به صورت عقد بیع یا قرض و صلح و امثال آن، که موجب گردد کالایی با شرط اضافه با کالایی دیگر از همان جنس مکیل یا موزون معامله نماید و یا زائد بر مبلغ وجه پرداختی دریافت نماید، ربا محسوب نموده است و در خصوص جزئیات آن بحث ننموده است. در تدوین چنین ماده‌ای، که خالی از ابهامات نیست، در این مورد نیز پیشنهادهایی جهت رفع آن ابهامات و بهبود قانون ارائه می‌گردد.

۷- بررسی مرتکبان جرم ربا و نحوه مجازات آن‌ها

در خصوص اینکه، اشخاصی که مرتکب جرم ربا می‌شوند چه کسانی هستند و اینکه چه مجازاتی را قانونگذار برای آن‌ها در نظر گرفته است؟ در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم:

الف- مرتکبان جرم ربا

قانونگذار، در مورد جرم ربا، مجازات ربا دهنده، رباگیرنده و واسطه را به طور مساوی و به یک اندازه وضع کرده است. به نظر می‌رسد این شیوه از مجازات، از جهات مختلفی خدشه‌پذیر باشد. نخست اینکه، واژه «مرتکبین»، که در ماده ۵۹۵ به صورت «مرتکبین اعم از ربا دهنده، رباگیرنده و واسطه بین آن‌ها...» به کار رفته است، به طور مناسب از آن استفاده نشده است؛ زیرا این کلمه، ظهور در مباشر یا حداکثر شریک جرم دارد. بنابراین، استفاده از این کلمه به نحوی که شامل «واسطه» نیز بشود، کاربرد حقوقی و دقیق نیست؛ زیرا واسطه در جرم ربا، نوعاً در عملیات اجرایی جرم دخالت ندارد، بلکه کسی است که می‌کوشد تا «وقوع جرم را تسهیل کند». بنابراین، چنین شخصی «معاون جرم» محسوب می‌شود، نه اینکه مرتکب جرم به معنای خاصش باشد. برای رفع این مشکل، بهتر است مجازات واسطه، به عنوان «معاونت خاص»، به طور جداگانه در یک تبصره دیگر و زیر همین ماده بیان شود. دوم اینکه، بی‌گمان قانونگذار در تعمیم مجازات ربا، درصدد پیروی از دو روایت معروف نبوی و علوی بوده است. در حدیث نبوی آمده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَعَنَ أَكْلَ الرِّبَا وَمُؤَكَّلَهُ وَكَاتِبَهُ وَشَاهِدِيَهُ» (طبرسی، ۱۳۹۳، ص ۴۲۶).

«خدواند متعال، رباخوار و ربا دهنده و نویسنده قرارداد بین آن‌ها و دو گواه بر قرارداد ربوی را لعنت کند». همچنین در روایت دیگری، امام باقر (ع) از امیرالمومنین علی (ع) نقل می‌کنند که آن حضرت فرمودند: «أَكَلَ الرِّبَا وَمُؤَكَّلَهُ وَكَاتِبَهُ وَشَاهِدِيَهُ فِيهِ (فی الوزر به) سواء» (محمدی مازندرانی، ۱۴۰۹، ص ۴۰) «رباخوار و ربا دهنده و نویسنده و دو شاهد بر قرارداد میان آن‌ها در گناه ربا شریک هستند». به نظر می‌رسد که قانونگذار در تبعیت از این دو روایت، دقت لازم را به کار نبرده است، زیرا این دو روایت، اگرچه مؤید این واقعیت است که واسطه‌هایی همچون کاتب و شاهد نیز همانند رباخوار و ربا دهنده در تحقق جرم ربا نقش دارند، اما هرگز بیانگر مساوی بودن مقدار و نحوه مجازات این اشخاص نیست، زیرا در روایت نخست، نفرین خدای متعال و پیامبر (ص) نسبت به چهار گروه نام برده شده، بیانگر تساوی آن‌ها در مجازات دنیوی نیست. از سوی دیگر، عبارت «فیهِ سواء» در روایت دوم نیز همین حکم را دارد، زیرا در ادبیات عرب، در شماری از موارد، عبارت «فی سواء» در معنای مجازاتی و به معنای شریک به کار می‌رود. مانند سوره مبارکه «نحل»، آیه ۷۱، که مفسران «فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ» را به صورت (فهم فیهِ شرکاء) معنا کرده‌اند.

ب- ابهام در نحوه و نوع مجازات

درباره نوع مجازات‌های مقرر در ماده ۵۹۵ قانون مذکور، اشکال نخست آن است، که قانونگذار، برای هر سه نفر به طور مساوی مجازات تعیین کرده است. ثانیاً، انواع مجازات‌ها را درباره آن‌ها وضع کرده است؛ یعنی هم مجازات حبس، هم تازیانه با شلاق و هم جزای نقدی برای یک جرم در نظر گرفته است. این تنوع مجازات، برای جرمی مالی، دفاع کردنی نیست. ثالثاً، عبارت «معادل مال مورد ربا، به عنوان جزای نقدی» نیز ابهام دارد، زیرا معلوم نیست که منظور قانونگذار از «مال مورد ربا» آن مقدار اضافه شرط شده در قرارداد است یا علاوه بر آن اضافه، باید اصل وام را نیز حساب کرد، یا فقط اصل وام، بدون اضافه، ملاک محاسبه جزای نقدی است؟! باتوجه به ابهام قانون، به نظر می‌رسد، چون قانونگذار، درصدد سخت‌گیری در مورد مرتکبان ربا بوده، به حدی که حتی واسطه نیز می‌بایست جزای نقدی مذکور را بپردازد که با مفهوم آیه ۲۷۹ سوره مبارکه بقره «وَإِنْ تَبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَاتُظْلَمُونَ وَلَا تَظْلِمُونَ»، مخالف است؛ که می‌بایست جزای نقدی شدیدتری، یعنی معادل «اصل وام» و فرع، یعنی «اضافه» مذکور در قرارداد را در حکم مرتکبات درج کرد. به نظر می‌رسد که منظور از «مال مورد ربا»، فقط مقدار اضافه شرط شده در قرارداد است، نه اصل وام. به این دلیل که اولاً، در هنگام شک در قوانین کیفری، باید قانون را به نفع متهم تفسیر کرد و ثانیاً، وجود مفهوم

مخالف در آیه فوق، قطعی نیست، زیرا شماری از فقها و مفسران، از این آیه معنای دیگری را برداشت می‌کنند (محقق اردبیلی، بی تا، ص ۴۳۵).

ج- حکم مال مورد ربا

تبصره نخست ماده ۵۹۵ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «در صورت معلوم نبودن صاحب مال، مال مورد ربا از مصادیق اموال مجهول‌المالک بوده و در اختیار ولی فقیه قرار خواهد گرفت». اینک ذکر چند نکته ضروری می‌نماید: نکته اول: «منظور از صاحب مال در تبصره یک ماده ۵۹۵ قانون فوق‌الاشاره، ربا دهنده است». ابهام دیگر در عبارت «مال مورد ربا» است. منظور از «مال مورد ربا»، فقط مقدار اضافه شرط شده در قرارداد است، نه اصل وام. نکته دوم: صدر تبصره یکم، با ماده ۸ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی همخوانی کامل ندارد. ماده هشتم قانون مذکور مقرر می‌دارد: «دادگاه پس از احراز نامشروع بودن اموال و دارایی اشخاص حقیقی یا حقوقی، در صورتی که مقدار آن معلوم باشد، چنانچه صاحب آن مشخص است، باید به صاحبش رد شود، ولی اگر صاحب آن مشخص نیست، در اختیار ولی امر قرار داده می‌شود و اگر مقدار آن معلوم نباشد، چنانچه صاحبش مشخص است، باید با صاحب مال مصالحه نماید؛ ولی اگر صاحب آن مشخص نیست، باید خمس مال را در اختیار ولی امر قرار دهد».

میان تبصره نخست ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی و ماده هشتم قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، رابطه عام و خاص وجود دارد. به عبارت دیگر، بر اساس تبصره یکم، تنها شرط واگذاری مال به ولی فقیه، «معلوم نبودن صاحب مال است»؛ در حالی که بر طبق ماده هشتم قانون اخیرالذکر، علاوه بر شرط مذکور، شرط دومی لازم است و آن «معلوم بودن مقدار مال ربوی» است که به نظر می‌رسد، ماده هشتم کامل‌تر از تبصره یکم ماده ۵۹۵ ق.م.ا. است و اصلاح تبصره یاد شده به کمک ماده هشتم، به شکل زیر منطقی‌تر به نظر می‌آید: «تبصره ۱: در صورت معلوم نبودن ربا دهنده، چنانچه مقدار مال معلوم باشد، اضافه مشروط در قرارداد، از اموال مجهول‌المالک بوده و تماماً در اختیار ولی فقیه قرار خواهد گرفت و در صورت معلوم نبودن مقدار مال، خمس آن به ولی فقیه واگذار می‌گردد».

نکته سوم: ماده سوم قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۲۴ در این باره مقرر می‌دارد: «اموال مجهول‌المالک، بلاصاحب (به استثنای اموال قاچاق بلاصاحب و متواری)، ارث بلاوارث و اموالی که از باب تمخس، خروج از ذمه و اجرای اصل چهل و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دیگر قوانین، که در اختیار ولی فقیه (حاکم) است، با اذن کلی ایشان در اختیار سازمان قرار می‌گیرد؛ تا به طور جداگانه حسب دستور معظم‌له در جهت نگهداری، اداره و فروش آنها اقدام نماید. پرداخت هر نوع وجهی از محل عواید حاصل از فروش و نیز هرگونه تصرف در این اموال، موکول به اذن ولی فقیه یا نماینده خاص ایشان در تصرف این اموال خواهد بود».

د- اضطراب در ارتکاب جرم ربا

در تبصره دوم ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۵۷) می‌خوانیم: «هرگاه ثابت شود ربا دهنده، در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی، مضطر بوده، از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد». به نظر می‌رسد، که این حکم خدشه‌پذیر است؛ زیرا یکی از شرایط پذیرش دفاع «اضطراب» این است که دفع خطر شدید، منحصر در ارتکاب جرم باشد و راه دیگری برای اجتناب از آن وجود نداشته باشد. در حالی که در بحث ربا، با وجود «حیله‌های فرار از ربا» توجیه شرعی یا قانونی برای معامله ربوی باقی نمی‌ماند. بنابراین، در صورت پذیرش حیل ربا، تحقق عنوان اضطراب در جرم ربا امکان ندارد و در صورت پذیرفتن حیل ربا نیز تبصره ۲ ماده ۵۹۵ قانون مزبور، اشکال دارد. زیرا اولاً، در این صورت، تفاوتی میان ربا دهنده و رباگیرنده و واسطه وجود نخواهد داشت؛ در حالی که در قانون، رفع جرم ربا منحصراً به «دافع» یا ربا دهنده اختصاص داده شده است. ثانیاً، بر فرض، حرمت تکلیفی ربا با اضطراب، از بین برود، فایده چندانی بر آن مترتب نیست. زیرا رفع این حرمت تأثیری در «حرمت تصرف» در مال غیري که از ربا ناشی می‌شود، ندارد.

و- معاذیر معاف کننده در جرم ربا

قانونگذار در تبصره سوم ماده ۵۹۵ قانون فوق‌الذکر به بیان عذرهای قانونی معاف‌کننده مجازات ربا پرداخته و مقرر می‌دارد: «هرگاه قرارداد مذکور بین پدر و فرزند، یا زن و شوهر منعقد شود، یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند، مشمول مقررات این ماده نخواهد بود». بی‌گمان قانونگذار در نگارش این تبصره، به دنبال پیروی از نظر مشهور فقهای امامیه بوده است. در فصل یکم، یعنی بررسی فقهی ربا، به تفصیل در این باره بحث کردیم. به استناد روایات معتبر و اجماع فقها، در دو مورد: «ربا بین مولا و عبد» و «ربا بین مسلمان و کافر»، جواز معامله و قرض ربوی هم در فقه اهل سنت و هم به نظر مشهور فقهای امامیه پذیرفته شده است. جواز ربا در دو مورد دیگر، یعنی «ربا بین پدر و فرزند» و «ربا بین زوجین» فقط در فقه امامیه قبول شده است (خرازی، ۱۳۸۹، ص ۵۰).

قانونگذار، صرفاً به ذکر سه دسته از چهار گروه نامبرده بسنده کرده است؛ علت این امر، این است که «ربا بین مولا و عبد»، امروزه موضوعاً منتفی است، با وجود این، تبصره یاد شده، دارای ابهاماتی است که در زیر به شماری از آن‌ها اشاره می‌کنیم: یکم، لفظ «والد» مذکور در روایات، شامل مادر نمی‌شود؛ بنابراین، معامله ربوی بین مادر و فرزندانش جایز نیست. قانونگذار نیز در تبصره با کلمه «پدر» بر این ادعا تأکید کرده است. دوم، تفاوتی میان معاملات ربوی پدر و پسر و پدر با دخترش وجود ندارد و میان فرزندان بالغ و نابالغ و ولد سفیه و رشید نیز، از این حیث فرقی وجود ندارد و در همه موارد مذکور، معاملات ربوی جایز است. سوم، تسری حکم جواز ربا به نوه‌ها نیز بلامانع است. چهارم، جواز ربا بین پدر و فرزند شامل فرزندان دختر و... والدزنا نمی‌شود. پنجم، جواز ربا بین پدر و فرزند، شامل «ولد رضاعی» نمی‌شود. ششم، در جواز ربا بین زوجین، تفاوتی میان «زوجه دائمی»، «زوجه منقطعیه» و «مطلقه رجعیه» وجود ندارد. هفتم، جواز اخذ ربا از مسلمانان از کافر، مشروط است به این که کافر، کافر حربی باشد. بنابراین، مسلمان نمی‌تواند از کافر ذمی (مانند یهودیان و مسیحیان) ربا بگیرد یا به آن‌ها پرداخت کند.

۸- نتیجه‌گیری

با عنایت به کلام خداوند متعال در قرآن کریم و همینطور احادیث و روایات و سخنان فقها و مراجع در مورد ربا - که بسیار تندتر از سایر گناهان دیگر است - احکام قرآن و اسلام، بر همه جاری است و شرف و ارزش انسان‌ها در تبعیت از قانون است، که همان تقوا است و متخلف از قانون، مجرم و قابل تعقیب است. با توجه به توضیحاتی که در مورد تحلیل حقوقی جرم‌شناسی ربا در حقوق کیفری ایران ارائه شده است و به اختصار مطالبی که مربوط به این موضوع بود، مورد تحلیل قرار گرفت؛ مسئله جرم‌شناختی آن، دارای علل متعددی است که در وقوع آن نقش دارد؛ از جمله دلایل اقتصادی، اجتماعی و شخصیتی که ریشه تمام این علل و عوامل، فقر و تنگدستی است و از انگیزه‌هایی که فرد را به سوی چنین جرمی سوق می‌دهد، تن‌پروری، فرار از کار و فعالیت و پیدایش یک مسیر کوتاه، جهت رسیدن به مال و ثروت می‌توان نام برد که شاید فرد دیگر، سالیان بسیار از عمر خود را صرف به دست آوردن آن کند. همچنین عدم توجه به قشر ضعیف و از بین رفتن احساس مهر و محبت و همدردی نسبت به هم‌نوع، که متأسفانه در جوامع امروز کم‌رنگ شده است و ریشه آن، عدم توجه به معیارهای انسانی و ضعف اعتقادی و در خصوص جرم ربا، عدم اعتقاد به حرمت آن، که ناشی از ضعیف‌بودن ایمان و تقوا است. متأسفانه در بعضی از موارد، کسانی که توجهی هم به این‌گونه مسائل شرعی ندارند، برای اینکه از استیفاء منفعت بیشتر باز نمانند، اقدام به پوشش شرعی دادن به این‌گونه افعال، با قرار دادن آن در قالب قرارداد و معاملات صوری و مسائل دیگر می‌نمایند.

پیشگیری از جرم ربا و مباحث مطروحه در آن، از دیدگاه جرم‌شناسی، همیشه از جمله مباحث بسیار مهم و رایجی بوده که هیچ‌گاه مورد بی‌اعتنایی و فراموشی جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و به طور کلی علم سیاست جنایی و جامعه‌شناسی جنایی قرار نگرفته است. چرا که از زمانی که بشر به دنیای مادی در عرصه حیات پا گذاشته است، همواره انحرافات و کژروی از معیارهای مناسب، تباهی‌ها و جرایم را با طعم تلخ آن‌ها چشیده است. با وجود این همه

تدابیر و اقداماتی که به ذهن بشر، به منظور تقابل و رویارویی با آن‌ها خطوط کرده و توفیق اجرای آن‌ها را یافته است، نمی‌توان به هیچ وجهی رشد جرایم و انحرافات را، که همواره نسبت به میزان اقدامات پیشگیرانه که بیشتر از نوع مجازات بوده، مورد انکار قرار داد. با این حال، می‌بایست با رویکرد به متون فقهی، دینی و استمداد از آن‌ها برای پیشگیری از جرم کوشید و بشر همواره گرفتار الحاد، قرونی را بدون توجه به این مهم سپری کرده است. برای مقابله و پیشگیری از جرم ربا، تمامی آحاد مردم، اعم از دولتی و غیر دولتی باید اهتمام ورزند و تلاش‌هایی در جهت فرهنگ‌سازی اصولی و ترویج سنت زیبای قرض‌الحسنه و برانگیختن حس محبت و مهرجویی در میان افراد جامعه و بیان حرمت و ادله حرمت ربا در رسانه‌ها و فضاها، مجازی، صورت پذیرد. همچنین توسط سخنرانان مذهبی و مبلغین دین و تهیه برنامه‌های جامع، جهت مقابله با این پدیده شوم، گام برداشته شود. از موارد پیشگیرانه وقوع بزه ربا، می‌توان به اصلاح و درمان مرتکبین و مجرمین بزه مزبور و اصلاح و رفع ایرادهای قوانین قبلی، تدوین جرم‌انگاری و حتی تشدید مجازات مرتکبین جرم ربا اشاره نمود. همچنین تشکیل پرونده شخصیتی برای این‌گونه مجرمین و بزه‌کاران و یافتن روش‌های جدید، همراه با بررسی علل وقوع آن، در برهه‌های زمانی مختلف، تشکیل همایش‌ها و سمینارهای فصلی و برخی نشست‌های علمی و استفاده از تجربیات اهل فن در خصوص این موضوع، می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن سیار مطلبی، محمد بن اسحاق (۱۹۶۳م). سیره النبی صلی الله علیه و آله وسلم. بی‌جا: مکتب محمدعلی صبیح، ج ۲.
۲. انصاری قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد (۱۹۷۶م). الاحکام القرآن. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
۳. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۰). نهج الفصاحه. بی‌جا: سازمان انتشارات جاویدان.
۴. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق). وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ج ۱۲.
۵. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۱ق). وسایل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت، ج ۱۸.
۶. حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۴). الحیات. تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ج ۵.
۷. خرازی، سید محسن (۱۳۸۹). معامله ربوی در حالت جهل و اضطرار. فقه اهل بیت، شماره ۳۸.
۸. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۴ق). تحریر الوسیله. بی‌جا: بی‌نا، ج ۱.
۹. صابونی، محمدعلی (بی‌تا). صفوه التفاسیر. بیروت: دارالفکر، ج ۱.
۱۰. صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ق). سبیل الهدی و الرشاد. بیروت: دارالکتاب العلمیه، ج ۳.
۱۱. صانعی، یوسف (۱۳۸۸). ربای تولیدی. قم: مؤسسه فقه الثقلین.
۱۲. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضر الفقیه. بیروت: دارالاضواء، ج ۳.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۲). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲.
۱۴. طبرسی، حسن بن فصل (۱۳۹۳ق). مکارم الاخلاق. بی‌جا: منشورات رضی، چاپ ششم.
۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه اطهار. بیروت: الوفاء، چاپ دوم، ج ۱۰۰.
۱۶. محقق اردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا). زیده البیان فی احکام القرآن. بی‌جا: مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.

۱۷. محمدی مازندرانی، بشیر (۱۴۰۹ق). مسند محمد بن قیس بجلی. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۰۴ق). الامثل فی تفسیر کتاب المیزان. بیروت: مؤسسه البعثه، ج ۲.
۱۹. موسایی، میثم (۱۳۷۶). تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی. تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
۲۰. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء، چاپ دوم، ج ۱۳.